تلنگر

بداخلاقی‌های سیاسی در انتخابات

مصطفی ایزدی
فعال سیاسی

انتخابات در هرجای دنیا که برگزار می‌شود، قوانین و مقررات مربوطه دارد اما برای انتخاب‌شوندگان، یک‌سری بایدها و نبایدها تعریف شده است که شاید در چارچوب قوانین و مقررات مربوطه، قرار نگیرد ولی اهمیت این بایدها و نبایدها می‌تواند داوطلبان را موفق یا ناموفق کند یا در حفظ و عدم حفظ حیثیت افراد، اعم از داوطلب و هواداران او بسیار مؤثر باشد.

این بایدها و نبایدها را که بعضا در قوانین مربوط به انتخابات از آنها یادی نشده است، همگان باید جدی تلقی کنند تا انتخابات سالم شکل بگیرد و آرامش لازم برای رأی‌دهندگان فراهم شود. این یادداشت به اخلاق سیاسی پیش از انتخابات می‌پردازد و به طور گذرا به بلای بی‌توجهی به بایدها و نبایدهای مقدمات انتخابات اشاره می‌کند.

۱- یکی از بداخلاقی‌های سیاسی در ماه‌های آخر پیش از روز رأی‌گیری که تأثیر زیادی بر فضای موردنیاز انتخابات دارد، برهم‌زدن جلسات و همایش‌های گروه‌های سیاسی توسط جمعی از افراد تندرو و به‌ظاهر ناتوان در شنیدن دیدگاه‌های مخالف است. این پدیده نامبارک که اخیرا و در استقبال از انتخابات مجلس دهم، شدت یافته است، صرفا علیه اصلاح‌طلبان صورت می‌گیرد. بدیهی است این رفتار ناپسند، چه در صحنه ممانعت از سخنرانی چه در مرحله حمایت از تندروها و حتی در حالت سکوت معنادار مقابل این نوع پدیده‌ها، مصداق آتشی است که دیگ خود را گرم نمی‌کند و دود آن به چشم خودشان می‌رود. این بداخلاقی‌ها البته تأثیر نامطلوب خود را بر رفتار اجتماعی و سیاسی مردم به‌ویژه جوانان می‌گذارد که اصلاح آن به‌آسانی و در کوتاه‌مدت میسر نیست. انتخابات برگزار می‌شود، جمعی رأی می‌آورند و جمعی شکست می‌خورند اما فسادهای گوناگونی که از این نوع بداخلاقی‌ها در متن جامعه باقی می‌ماند را چگونه باید علاج کرد؟ رواج بداخلاقی از هر نوع آن، جامعه را به سمت و سوی آسیب‌پذیری بیشتر سوق می‌دهد که حتی اگر مجلسی انباشته از عناصر هم‌خط اصولگرایان هم تشکیل شود، از ابعاد نامطلوب آن حتی برای همان جناح نمی‌کاهد.

۲- یکی دیگر از بداخلاقی‌های رایج میان تندروها، تخریب رقبای انتخاباتی از طریق برخی رسانه‌ها است. در موقعیت فعلی، اصلاح‌طلبان و بخشی از جناح راست که به اعتدالیون شهره‌اند، به یکدیگر نزدیک شده‌اند. این دو گروه سیاسی در انتخابات خرداد ۹۲ به یک وحدت نانوشته رسیدند که نتیجه آن ریاست‌جمهوری دکتر حسن روحانی و واردشدن تعدادی از اصولگرایان معتدل و اصلاح‌طلب به دولت بود. بعد از این اتفاق، جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی- که در دوره احمدی‌نژاد چندان وزن و اعتباری نداشتند- یک‌باره برای مخالفت با دولت جدید مورداستفاده قرار گرفتند. اینها علاوه بر تریبون مجلس، رسانه‌های فراوان خود را نیز به خدمت گرفتند تا رقبای سیاسی و منتقدان تفکرات خویش را بکوبند و از میدان به در کنند؛ مثلا امسال که تعدادی از چهره‌های اصلاح‌طلب توانستند به مناسبت فرارسیدن ۱۶ آذر در دانشگاه‌های دولتی حضور یابند و بخشی از مسائل کشور را با دانشجویان و استادان در میان بگذارند، محافظه‌کاران برافروخته شدند و مجموعه رسانه‌ای پرشمار خود را با ادبیات تند علیه مراسم روز دانشجو به کار گرفتند.

این اقدامات بعضا آتشین، دقیقا برای جلوگیری از فضاسازی انتخاباتی اصلاح‌طلبان است که می‌خواهند کار قانونی کنند و مردم را برای حضور پای صندوق‌های رأی، که در اسفندماه جاری برگزار می‌شود، تشویق و ترغیب کنند. آیا این بداخلاقی‌ها یا بی‌اخلاقی‌ها می‌تواند صاحبان آن را پیروز کند؟

۳- از دیگر بداخلاقی‌های رایج، توجه‌نکردن به شرایط انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان در قانون انتخابات است که با جزئیات و به‌صراحت آمده است. بی‌توجهی به این قوانین روشن و صریح، و تمسک‌جستن به بهانه‌های واهی و ابداع شرایطی که در قانون مذکور لحاظ نشده است، به‌وضوح حقوق انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان را نادیده می‌گیرد.

۴- در قانون انتخابات، مدت کمی در حدود یک هفته برای تبلیغات رسمی در نظر گرفته شده که پرشورترین زمان در جریان انتخابات است. در این مدت کم، با کمال تأسف، بیشترین بداخلاقی از ناحیه هواداران و بعضا نامزدها بروز می‌کند. بعضی داوطلبان نمایندگی مجلس، در شهرها و روستاهای حوزه انتخابیه خود، به جای بیان ویژگی‌های مناسب خویش برای سمتی که می‌خواهند احراز کنند، به بدگویی علیه رقبای خود می‌پردازند. غافل از اینکه بدگویی و غیبت و احتمالا تهمت و افترا، اگر برای بعضی از مخاطبان یک نوع دلخوشی ایجاد کند، برای اکثر مخاطبان - به‌ویژه برای کسانی که واقعا می‌خواهند نامزدها را بهتر بشناسند- کار درستی نیست و کاندیدای نمایندگی را از چشم و دل مردم می‌اندازد. اگرچه این شیوه برخورد از طرف یک نامزد علیه نامزد یا نامزدهای دیگر، برخلاف اخلاق اسلامی و اخلاق سیاسی است، اما با وجود این، متصدیان رسیدگی به تخلفات انتخاباتی از کنار آن می‌گذرند و کمتر به آن رسیدگی می‌کنند. به جز این موارد، درگیرشدن با هواداران داوطلبان، ازبین‌بردن بنرها و پلاکاردهای تبلیغاتی و عکس‌های دیگران در شهرها و روستاهای گوناگون رایج است که این هم بدون رسیدگی دستگاه‌های ناظر به پایان نمی‌رسد. قوم‌گرایی و قبیله‌محوری در بعضی از نقاط کشور نیز مزید بر علت انحراف در تبلیغات انتخابات است.

۵- ازجمله بداخلاقی‌های سیاسی دیگر که در انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری و حتی در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، به‌وفور دیده و البته در قانون هم روی آن تأکید شده، بهره‌مندی از امکانات دولتی و عمومی به انحای گوناگون است.

به یاد می‌آورم که در جریان یکی از انتخاب‌های پیشین، فردی از مقامات صداوسیما، با امکانات و خودرو دولتی، در شهرهای گوناگون حضور می‌یافت و در این مجلس و آن مجلس برای نامزد موردنظرش، که از کاندیداهای مهم ریاست‌جمهوری بود، تبلیغ می‌کرد. من به او اعتراض کردم شما که خیلی ادعای ارزش‌مداری می‌کنید، بر فرض اینکه خلاف قانون هم نباشد- که به‌صراحت هست- چرا از امکانات متعلق به بیت‌المال استفاده می‌کنید؟ پاسخ داد من برای مأموریت اداری سفر می‌کنم و درعین‌حال وظیفه شرعی خود می‌دانم که به تبلیغ هم بپردازم. امید است این مسائل در انتخابات آتی، حداقل کمتر از ادوار گذشته باشد.

احمد شیرزاد در گفت‌وگو با «شرق»:

پیروزی تندروها در حضورنیافتن مردم است

عکس: رئوفه رستمی، شرق

حامد طیبی

روزهای ثبت‌نام انتخابات مجلس دهم فرا رسید و احتمالا در این چند روز، شاهد تحرک نسبی در فضای سیاسی کشور خواهیم بود. با اینکه برخلاف ادوار گذشته و در فاصله حدود دو ماه تا روز انتخابات مجلس و خبرگان رهبری، فضا هنوز انتخاباتی نشده، اما به‌هرحال، دیر یا زود جریان‌های سیاسی و داوطلبانی که امکان حضور در مرحله نهایی را می‌یابند باید برای گفت‌وگو با مردم درباره انتخابات پیش‌رو آماده شوند. احمد شیرزاد، از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب که سابقه نمایندگی مجلس ششم و عضویت در شورای مرکزی حزب مشارکت را در کارنامه دارد، در گفت‌وگو با «شرق» درباره راه‌های رساندن پیام اصلاح‌طلبان و نامزدهای آنان به مردم نکاتی را بیان کرد که در ادامه می‌آید.

در ماه‌های اخیر برخی فعالان سیاسی اصلاح‌طلب بیان کرده‌اند اصلاح‌طلبان شرایط مناسب‌تری نسبت به سال ۹۲ دارند و امکانات آنان قابل مقایسه با سال ۹۲ نیست. در سوی مقابل در دو سال اخیر، محدودیت‌های این جریان سیاسی و رسانه‌ها، تغییر چندانی نکرده است. این پارادوکس را چگونه باید تحلیل کرد؟

من این فرمایش دوستان را تأیید می‌کنم. وضع ما بهتر از ماه‌های پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم در سال ۹۲ است. در آن مقطع به دلیل شرایط سیاسی که چهار سال قبل از آن حاکم بود، فضای فعالیت سیاسی بسته بود و برای برخی فعالیت‌های معمول حزبی و تشکیلاتی هم مانع وجود داشت. بااین‌حال، انتخابات ریاست‌جمهوری به‌طور کلی، فضایی ایجاد می‌کند که کارکردن در آن به سختی مجلس و شورا نیست. تبلیغ‌کردن و فضا ایجادکردن و موج‌آفرینی برای ریاست‌جمهوری، پیچیدگی‌های فراوان مجلس را ندارد. برای مجلس به سبب تعدد نامزدها در حوزه‌های انتخابیه مختلف، امکانات ویژه‌ای مورد نیاز است و کار سیاسی و انتخاباتی به‌مراتب سخت‌تر است. در انتخابات ریاست‌جمهوری، ما به دنبال رساندن یک پیام به مردم هستیم و آن اینکه به چه کسی رأی بدهید و دلایل آن چیست؟ یک اسم وجود دارد و تشخیص آن برای مردم نسبتا راحت‌تر است. هرکسی با علایق خود می‌تواند به یکی از کاندیداهایی که در سطح کشور و در همه رسانه‌ها به آنان پرداخته می‌شود، رأی بدهد. اما در انتخابات مجلس مدیریت میدان انتخابات و کسب رأی، بسیار دشوار است. احتمالا منظور دوستان من از بهترشدن امکانات، به بهبود فضای سیاسی برمی‌گردد و اینکه مردم امیدوارتر شده‌اند اگر نه از نظر سختی، کار در میدان انتخابات مجلس بسیار دشوارتر از ریاست‌جمهوری است.

منظور شما از مدیریت میدان انتخابات چیست؟

باید تلاش کنیم روی کاندیدای واحد در حوزه‌های تک‌کاندیدا و روی فهرست واحد در شهرهای بزرگ به توافق برسیم. این مشکلی است که وجود دارد. البته با تمهیدات اندیشیده‌شده و درکی که اصلاح‌طلبان از مخاطرات پیش‌رو پیدا کرده‌اند، می‌دانند باید روی راهبرد یا همه یا هیچ برنامه‌ریزی کنند. بااین‌حال، مسائل قومی و منطقه‌ای در انتخابات مجلس بسیار تعیین‌کننده است و همه چیز سیاسی نیست. در کنار آن مدیریت صندوق رأی و آرای مردم هم محل تأمل است، چراکه در انتخابات مجلس، قانع‌کردن مردم برای رأی‌دادن در انتخابات مجلس، بسیار سخت‌تر از ریاست‌جمهوری است.

البته در دوره ششم، تا حدی این نُرم‌ها تغییر کرد. این نشان‌دهنده آن نیست که اگر فضای سیاسی و درک واقعی از اهمیت مجلس وجود داشته باشد، مردم پای صندوق‌ها می‌آیند؟

حتی دوره ششم که رقم آرای ما چند برابر میانگین ادوار بود و آن رکوردها همچنان باقی مانده است هم حدود ۶۵ درصد واجدان شرایط، رأی داده بودند. ما در فهرست اصلاح‌طلبان اصفهان پنج نفر بودیم که بین ۲۳۰ تا ۲۶۰ هزار رأی آوردیم. در هیچ دوره‌ای کاندیداهای اصولگرا بالای ۱۳۰ هزار رأی نیاوردند.

در تهران هم رکورد دکتر محمدرضا خاتمی، همچنان حدود یک میلیون رأی با نفر اول دوره‌های بعد که اصولگرا بود، فاصله دارد درحالی‌که واجدان شرایط رأی در دوره‌های هفتم تا نهم که اصلاح‌طلبان کمتر امکان مشارکت داشتند، دو برابر شده است.

بله، اما فضا با آن روزها بسیار تفاوت کرده است. اصولا این دوستان گرامی که مجالس هفتم و نهم را تشکیل دادند، چنان عملکردی داشتند که امروز قانع‌کردن مردم برای توجه به اهمیت جایگاه مجلس بسیار دشوار شده است. تصور عمومی در جامعه این است که برخی نمایندگان مجلس به سراغ استیضاح یک وزیر می‌روند چون وارد روابط استانی با آنها نشده است یا هزینه‌های گزاف انتخاباتی می‌کند درحالی‌که کل دریافتی آنها در چهار سال مجلس، نیمی از این هزینه‌ها را هم پوشش نمی‌دهد. البته هنوز هم در اقشار فرهیخته، از مجلس ششم و عملکرد آن به نیکی یاد می‌شود اما اگر امروز در تاکسی نشسته باشی و راننده محترم، رادیو مجلس را روشن کند، متوجه می‌شوید احساس خوشایندی نسبت به آن وجود ندارد. در جریان رأی اعتماد به وزیران دولت روحانی، استیضاح‌ها، طرح سؤالات از وزرا و توهین‌هایی که به وزیران به‌ویژه دکتر ظریف، به‌عنوان یک چهره مورد احترام جهانی صورت گرفت، فضایی ایجاد کرده که مردم معتقدند بیشتر منافع شخصی و حزبی برخی افراد در نظر گرفته می‌شود تا منافع مردم.

همین فضایی که به آن اشاره کردید را در بخش نظرات مردم در سایت‌ها می‌بینیم. آنها به برخی نمایندگان یا چهره‌های تندرو می‌گویند از این مسائل خسته شده‌اند و وعده هفت اسفند را می‌دهند. این یعنی در این دوره، فضا تغییر کرده است؟

اگر نقطه امیدی وجود داشته باشد، همین نکته‌ای است که به آن اشاره کردید. البته نباید آن را خیلی بیش از حد بزرگ کرد و باید متناسب با واقعیت‌ها به این مسائل اندیشید.

همین واقعیت‌هایی که به آن اشاره می‌کنید چقدر قابل مدیریت است؟

> **نقطه امید ما علاوه بر نارضایتی مردم از عملکرد اصولگرایان در مجلس، جوانان بین ۲۰ تا ۳۰ سال به‌ویژه دانشجویان هستند. بارها دیده‌ایم هر بار این مجموعه به حرکت درآمده، همه را به حرکت درآورده و محاسبات را بر هم زده است. اگر این روال رخ دهد، اینها در مجموعه خانواده‌ها، محله‌ها، روستاها و شهرها می‌توانند کاملا فضا را عوض کنند**

همان‌طور که گفتم به راحتی نمی‌توان از این فضای خاص عبور کرد. درست است که در بخش‌هایی از اقشار متعهد و فرهیخته، اهمیت این دوره از انتخابات مجلس درک شده است، اما این انتخابات، دارای پیچیدگی‌های خاصی است. باید فضایی ایجاد کنیم که همه مردم برای تغییر وضعیت موجود پای صندوق‌های رای بروند اما به‌هرحال این پیام هم مقداری کشش دارد و ایجاد فضای انتخاباتی تنها در اختیار اصلاح‌طلبان نیست. مجموعه‌ای از نهادها در این حوزه ایفای نقش می‌کنند که تعیین‌کننده هستند. با این حال همان‌طور که گفتم نقطه امید ما علاوه بر نارضایتی مردم از عملکرد اصولگرایان در مجلس، مجموعه جوانان بین ۲۰ تا ۳۰ سال به‌ویژه دانشجویان هستند. بارها دیده‌ایم هر بار این مجموعه به حرکت درآمده، همه را به حرکت درآورده و محاسبات را بر هم زده است. البته این کار سختی است اما اگر این روال رخ دهد، اینها در مجموعه خانواده‌ها، محله‌ها، روستاها و شهرها می‌توانند کاملا فضا را عوض کنند. این اتفاق در سال ۹۲ هم رخ داد و به کل جامعه تسری یافت.

به نظر من در ابتدا نمی‌توان به حرکت گروه‌های میان‌سال امیدوار بود. در این دو ماه، مهم این است که قشر جوان و پرنشاط و پرتحرک را که با توجه به شرایط سنی، در دوره‌های گذشته فعالیت‌های سیاسی کمتر آسیب دیده یا احیانا دچار ناامیدی شده‌اند، برای نقش آفرینی ترغیب کرد.

به بحث امکانات برگردیم. حضور دولت روحانی می‌تواند چقدر در فضای انتخابات تأثیرگذار باشد؟ در همین جلسه اخیر شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان، فعالان شهرستان‌ها از وضعیت هیأت‌های اجرائی و مسائل دیگر ناراضی بودند. خود شما در اصفهان که یکی از شهرهای مهم ایران است با این مشکلات مواجه نیستید؟

اصولا قرار هم نیست دولت فاکتور تعیین‌کننده‌ای باشد و قرار است فقط در صحت انتخابات و امانتداری آن ایفای نقش کند. این را می‌گویم که خوانندگان توجه داشته باشند، کسی انتظار جانبداری از دولت روحانی نداشته باشد. همین که صحت انتخابات و امانتداری صندوق‌های رأی را به درستی انجام دهد، وظیفه قانونی خود را انجام داده است. در مورد هیأت‌های اجرائی، الان اگر صحبتی کنیم، می‌گویند قضاوت پیش از وقوع جرم است. البته ترکیب هیأت‌های اجرائی می‌توانست امیدبخش و اعتمادآفرین باشد. مسئله من گرایش «میانه» مجموعه وزارت کشور نیست. مشکل قاطع‌نبودن در اجرای قانون است. در گذشته هم جایی که انتظار داشتیم این وزارتخانه حداقل از مجوز استانداری و فرمانداری خودش دفاع کند و نه امنیت یک سخنران، نتیجه‌ای حاصل نشده است و فقط یک‌سری سخنان کلی و اعلام اینکه پرونده‌ای تشکیل شده و به دستگاه قضایی رفته است یا اقدامات نمایشی، نظیر دستور برای تهیه گزارش برهم‌خوردن مراسم، مطرح شده است. با اینکه فعلا بنای قضاوت پیش از واقعه را ندارم، این نارضایتی در مجموعه کشور نسبت به عملکرد وزارت کشور وجود دارد و باید دید هیأت‌های اجرائی برای دفاع از حقوق کاندیداها چه خواهند کرد. پس آنچه به‌عنوان بهبود امکانات اصلاح‌طلبان مطرح می‌شود، قطعا مربوط به تغییر در وزارت کشور نیست. بیشتر امکانات را باید به فضا نسبت داد. فضای کم‌رمق زمستان سال ۹۱ و احتمال بسیار پایین امکان تغییر در آن مقطع را نمی‌توان با امروز مقایسه کرد. در این دو سال دولت در حوزه‌هایی مانند اقتصاد و سیاست خارجی و تا حدی هم حوزه فرهنگی، دستاوردهایی داشته. مسئله برجام و توافق با قدرت‌های جهانی امید در مردم ایجاد کرده که امیدواریم تقویت شود. عمده امکان همه دلسوزان کشور و منافع ملی، همین فضا است وگرنه نه در ابزارهای تبلیغاتی و محدودیت‌های رسانه‌ای اصلاح‌طلبان تحول خاصی رخ داده و نه شرایط وزارت کشور عوض شده است.

اگر فرض را بر حضور نامزدهای اصلاح‌طلبی که در شرایط فعلی امکان ماندن در فرآیند انتخابات دارند بگذاریم، از نظر تبلیغات و گفت‌وگو با مردم، چه شرایطی نسبت به دوره‌های گذشته دارند؟

باید به محدودیت‌ها و خیزی که تندروها برای سلب امکانات قانونی اصلاح‌طلبان برداشته‌اند هم اشاره کنم. البته در حال حاضر بیشتر می‌توان گفت که چه کارهایی را نباید انجام دهیم. تبلیغات کاغذی برای ما بسیار پرهزینه است. معمولا شرایط به این گونه بوده که کاندیداهای منتسب به اصلاح‌طلبان، امکانات مالی خیلی کمتری دارند و در عین حال اعتقادی هم به برخی کارهایی که طرف مقابل انجام می‌دهد ندارند. در برخی ادوار، بچه‌های ما ساعت ۱۲ شب پوستر کاندیداهای ما را می‌چسباندند و شش صبح می‌دیدیم

> **رسیدن به فهرست‌های واحد و پرهیز از رقابت باید یک اصل پذیرفته‌شده باشد. همین که جامعه احساس کند فهرستی متعلق به اصلاح‌طلبان است یا در حوزه‌های تک‌کاندیدا، یک کاندیدا موردحمایت ائتلاف اصلاح‌طلبان است، می‌تواند مؤثر باشد و نباید خیلی نگران شهرت فعلی او بود یا روی شهرت‌های قبلی تکیه کرد**

همه آنها کنده شده و اگر بیلبوردی هم در جایی نصب شده بود، پاره شده است! بنابراین هزینه برای بنر و پوستر بی‌نتیجه است، چون تیم‌هایی منسجم و دارای سازماندهی هستند که با خیال راحت اجازه نمی‌دهند ماندن این پوسترها به صبح برسد! از آن سو هم طرف مقابل در و دیوار را از تبلیغات خود پر می‌کنند. البته آنجایی که ممکن است فضاسازی شود و با این‌گونه اقدامات دل مردم را خالی کنند، باید فعالیت‌هایی داشت اما خیلی نمی‌توان روی این‌گونه از تبلیغات حساب کرد. تجربه هم نشان داده که رسانه‌های عمومی هم در اختیار رقیب است. به‌هرحال نقطه قوت ما فضای مجازی است. در دهه گذشته، دسترسی به این فضاها مختص اقشار متوسط به بالا بود اما حالا با این حجم تلفن‌های همراه هوشمند و اینترنت همراه، تا دل روستاها شاهد ایجاد گروه‌های مختلف در شبکه‌های اجتماعی تحت موبایل هستیم. باید از این فرصت به‌درستی بهره گرفت.

اتفاقا طرف مقابل شما در این حوزه هم بسیار منسجم عمل و سرمایه‌گذاری وسیعی کرده‌اند.

بله، آنها همواره در حوزه پول و سرمایه‌گذاری، دست بالا را دارند اما در مواقعی که موج مثبت ایجاد شود، به دلیل نوع پیام و ارتباط مؤثر و اعتمادی که مردم به اصلاح‌طلبان دارند، فضا به نفع ما رقم می‌خورد. در فضای مجازی، امکان پوستر پاره‌کردن هم کمتر است و می‌توان کار و برنامه‌ریزی کرد به شرطی که بتوان با امواج منفی این فضا هم مقابله کنیم. از هم‌اکنون باید اجازه ندهیم طرف مقابل با ایجاد یأس و ناامیدی، انتخاباتی حداقلی را با ارمغان بیاورد چون پیروزی آنها در حضورنیافتن مردم است. مجموعه جوانان که موتور محرکه ما هستند، می‌توانند در فضای مجازی هم امواج مثبت ایجاد کنند.

یکی از اصلی‌ترین ابزارها، گفت‌وگو با مردم، دانشگاهیان و گروه‌های مرجع است. نشست‌هایی که همه روال قانونی آنها هم طی شده باشد و بر اساس قانون برگزار شوند. اگر امنیت این نشست‌ها هم سلب شود، چه باید کرد؟

موضوع جلسات و اجتماعات هم اهمیت بسیاری دارد. تا اینجای کار که کارنامه خوبی برای تأمین امنیت جلسات قانونی، به چشم نمی‌خورد اما شاید در فضای انتخابات، مسئولان به پایمال‌نشدن قانون و شکسته‌نشدن حرمت مجوزهای قانونی و دستگاه‌های متولی برقراری نظم و امنیت اهمیت بیشتری بدهند. البته من اساسا به همایش‌های بزرگ امیدی ندارم. امکان برگزاری آن فراهم نخواهد شد و ایجاد اختلال در آن، اصلا منتفی نیست.

پس چه راهکاری در نظر دارید؟

از ابتدا باید برنامه‌ریزی برای جلسات کوچک‌تر که امکان اجرای آن راحت‌تر است، صورت گیرد. میتینگ‌های بزرگ سیاسی برای ایجاد فضای انتخاباتی مناسب است تا انتقال پیام اما باید تکیه روی آنها هم باشد. همه اینها وقتی امکان‌پذیر است که موتور جوانان روشن شود.

ممکن است برخی اصلاح‌طلبان شاخص نتوانند نامزد شوند. آنها چه کمکی می‌توانند بکنند؟ قبلا این‌طور بود که چهره‌های فهرست هم تعیین‌کننده بودند. به نظر شما فضای امروز تغییر کرده است؟

به‌هرحال مسئله صلاحیت‌ها از اصلی‌ترین دغدغه‌های اصلاح‌طلبان است درحالی‌که رقیب ما اساسا مشکلی در این زمینه ندارد. معتقدم نباید خیلی چهره‌هایی که داریم را بسوزانیم. البته باید رویکرد نهادهای نظارتی در زمینه بررسی صلاحیت‌ها را دید و آن‌وقت درباره اینکه چهره‌های شناخته‌شده چگونه می‌توانند در فرایند انتخابات ایفای نقش کنند، تصمیم گرفت. بااین‌حال به نظر می‌رسد بخشی از چهره‌های شناخته‌شده اصلاح‌طلب اگر حاضر باشند و صلاحیت آنها تأیید نشود، می‌تواند فضای یأس ایجاد کند؛ بنابراین بهتر است ثبت‌نام نکنند. اگر بتوان موج اجتماعی مثبت ایجاد کرد، آن‌گاه با تأکید بر اهمیت فهرست اصلاح‌طلبان و حمایت رهبران اصلاح‌طلب از آنها می‌توان مردم را ترغیب کرد. سال ۷۸ دقیقا همین اتفاق افتاد. آن سال مردم، بنده را در انتخابات مجلس ششم کمتر می‌شناختند و پس از آن بود که برای جامعه شناخته شدیم اما موج اصلاح‌طلبی ایجاد شده بود و مردم به فهرست‌ها اعتماد کردند. به نظر من این الان مشکل ما نیست. مهم‌ترین و مشکل‌ترین بخش کار ما رسیدن به اتفاق نظر در حوزه‌های انتخابیه در میان اصلاح‌طلبان است. رسیدن به فهرست‌های واحد و پرهیز از رقابت باید یک اصل پذیرفته‌شده باشد. همین که جامعه احساس کند فهرستی متعلق به اصلاح‌طلبان است یا در حوزه‌های تک‌کاندیدا، یک کاندیدا موردحمایت ائتلاف اصلاح‌طلبان است، می‌تواند مؤثر باشد و نباید خیلی نگران شهرت فعلی او بود یا روی شهرت‌های قبلی تکیه کرد. اتفاقا طرف مقابل هم همین حساب را می‌کند.

تحلیلی از وضعیت موجود تا روز انتخابات مجلس

همبستگی ملی برای به‌حاشیه‌راندن تندروی

ضیاء مصباح

با توجه به درپیش‌بودن انتخابات و اینکه اصلاح‌طلبان و نیروهای ملی در مقایسه با اصولگرایان از امکانات به‌مراتب کمتری از هر لحاظ به دلایل روشن برخوردارند و این تفاوت ریشه در سوابق تجربی این افراد دارد. معنی و مفهوم و درک عمومی از واژه «اصول»، دوربودن و منزه‌بودن افکار و عملکردها از منافع فردی و گروهی است که این روزها کمتر شاهد آن هستیم. از یک‌سو دلسوختگان واقعی و حافظان منافع بلندمدت ملی به حضور همه گروه‌ها، بدون رویکرد حذفی معتقد هستند که برآمده از اندیشه سالم و سازنده و برخاسته از وجدان و ایمان پاک آنهاست. آنها حکومت براساس ضرورت ملی و بینش صحیح و آینده‌نگری را دنبال می‌کنند. در سوی مقابل گروه دیگر با سوارشدن بر احساسات توده گرفتار معاش که در اندیشه فردا نیستند، به روال گذشته بر طبل‌های توخالی می‌کوبند و فکر می‌کنند می‌توانند اقشار کمتر برخوردار را همراه خود کنند. در این مقطع الزاما باید بر این مهم تأکید کرد که آگاهی توده مردم که اکثریت را در مناطق کوچک و غیرشهری تشکیل می‌دهند و ارزش آرای آنان در هر سطح فکری و اندیشه، دارای ارزش برابر است، اصلی‌ترین عامل برون‌رفت از شرایطی است که مجموعه میهن‌دوستان و خیرخواهان جامعه را همراه با دولتمردان در این برهه حساس نگران می‌کند. در دو دهه اخیر، مشکلی وجود داشته که در آستانه انتخابات، شکل متفاوت‌تری هم به خود می‌گیرد. برخی که مترصد و دارای برنامه برای بسیج توده‌ها هستند، در این وادی همت می‌گمارند و تمامی هم‌وغم خود را آگاهانه، با برنامه، هماهنگ و از دلوجان برای حفظ موقعیت‌ها به کار می‌گیرند. با اندکی دقت و پیگیری اخبار و رویدادهای همه‌روزه، می‌توان مثال آورد که پرهیز حامیان منافع ملی و اصلاح‌طلبان از مقابله‌به‌مثل با توجه به اینکه روش‌های مشابه را در شأن خود نمی‌بینند، عملا به این رفتارها دامن می‌زند. نگارنده دو ماه زودتر با ارائه تصویری از ابعاد مختلف و چگونگی تبلیغات و شگردهای گروه‌های مترصد فرصت، نکاتی را برای استفاده دلسوزان کشور بیان می‌کند. حیات برخی افراد و گروه‌ها به بحران‌سازی و تنش‌آفرینی وابسته است. برخی نمایندگان فعلی و گروه‌های مدافع خط‌وربط آنان، برخی صاحبان سرمایه‌های غیرمشروع، برخی افراد بانفوذ و همه آنانی که طی سنوات متمادی بدون داشتن صلاحیت و شرایط احراز و تجربه و تخصص، بر آفت عافیت‌طلب و کنارگودنشستن بخش‌هایی از جامعه سوار شده‌اند و پاسخ‌گوی اقدامات خود هم نبوده و نیستند، حالا در معرض چالش انتخابات مجلس دهم قرار گرفته‌اند. خوشبختانه هنوز فرصت از دست نرفته پس همه دلسوزان کشور می‌توانند با ایفای نقش سازنده و بازدارنده در مسیر مبارزه اصولی، فرهنگی و قانونی با گمراه‌کنندگان مردم، از گروه‌های اجتماعی بانفوذ به‌ویژه جوانان آگاه دانشجو برای آگاهی‌رسانی به مردم در مورد اهمیت انتخابات و لزوم حضور چهره‌های صاحب صلاحیت در مجلس آینده برای توسعه کشور استفاده کنند. اعتماد به کارآمدی خیل میلیونی جوانان تحصیلکرده با توجه به عملکرد موفق آنان در سال‌های اخیر در عرصه‌های مختلف، حتی در همین شرایط فعلی هم کاملا شدنی است. کافی است در آنها ایجاد انگیزه کرده و نه در مقام حرف بلکه در عمل، از رأی و دیدگاه‌های آنان بهره بگیریم. این شیوه، توده‌گرایی یا همان پوپولیسم موردعلاقه دولت احمدی‌نژاد و دلواپسان را خنثی می‌کند. برخی گروه‌های جامعه به‌دلیل گرفتاربودن در مسئله معاش، کمتر در جریان اخبار قرار می‌گیرند و به‌ویژه در نقاط دوردست، جوانان دانشجو بسیار می‌توانند در توضیح مسائل برای این گروه‌ها مؤثر باشند.

> **اعتماد به کارآمدی خیل میلیونی جوانان تحصیلکرده با توجه به عملکرد موفق آنان در سال‌های اخیر، حتی در همین شرایط فعلی هم کاملا شدنی است. کافی است در آنها ایجاد انگیزه کرده و نه در مقام حرف بلکه در عمل، از رأی و دیدگاه‌های آنان بهره بگیریم. این شیوه، توده‌گرایی یا همان پوپولیسم موردعلاقه دولت احمدی‌نژاد و دلواپسان را خنثی می‌کند**

اشاره به این نکته لازم و اجتناب‌ناپذیر است که مستقربودن دولت دکتر روحانی و دراختیارداشتن قوه مجریه با همین کم‌وکیف باتوجه به شرایط منطقه و خطرات درونی و بیرونی اقتضا می‌کند که مجلس آینده در مسیری موافق و همسو با دولت، همراه و هماهنگ باشد تا حداقل‌هایی که در حد بیان و پیام مانده - البته در حد امکان- رو به تثبیت و عملی‌شدن برود. اختلافات در طرف مقابل و مخالفان دولت و نیروهای هوادار منافع ملی، بسیار جدی است و می‌دانیم که انتخاب و انتصاب مدیران در دوره دولت گذشته همچنان که مورد حمایت تندروهای امروز است، بعضا براساس ضابطه و برمبنای شرایط واقعی احراز شده و حتی مبتنی‌بر تعاریف موجود نبوده است. برخی از این افراد همچنان به‌واسطه همین نمایندگان حامی دولت گذشته، همچنان بر سر کار بوده و اینان نگران ازدست‌دادن امتیازات خود هستند. در چنین شرایطی سعی در ایجاد هماهنگی بین مجلس و دولت با انتخاباتی مشابه انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ با همین شرایط فعلی -که انتظار بیش از آن، غیرواقعی است- امکان تحولاتی را در مسیر منافع ملی به صورت گام‌به‌گام که دلواپسان واقعا نگران آن روزند را میسر می‌کند. دراین‌بین به صورت فهرست‌وار به نکاتی اشاره می‌شود که برنامه‌ریزی علمی و عملی در مسیر رفع آن از هم‌اکنون تا اوایل اسفند چندان مشکل نیست، مشروط به آنکه از هرگونه شعارپیشگی به روال سالیان گذشته و گفتمانی که ملت از آن خسته و آزرده است پرهیز شود:

- آنان که خود را برای انتخابات مجلس پیش‌رو آماده کرده‌اند کم‌وبیش از درک این حقیقت غافل نمانده‌اند که با تلاش‌هایی در راستای دامن‌زدن به عوام‌گرایی به شکلی کم‌سابقه از نظر تاریخی روبه‌رو هستند. این وضعیت را در نقد وضع موجود با درک ماهیت و سازوکارهای آن، آشکارا می‌توان دید.
- وضعیت حاکم بر بخشی از دولت و شیوه عمل آن، موجب اتخاذ سیاست‌های رویارویی ناصحیح از سوی رقبا می‌شود و از هم‌اکنون آنان را در وضعیت مقابله قرار می‌دهد که باید از آن حتی‌الامکان پرهیز کرد.
- پوپولیسم در کشورهای گوناگون دارای آثار مثبت و منفی متفاوت و مراتب مختلفی بوده است. از آنجا که عمدتا با فریب، ناکارآمدی، اتلاف منابع و... همراه بوده، تصویر عمومی حتی توده مردم از آن منفی است و افشای نحوه کاربردهای آن به‌سادگی ممکن نیست. این شگرد به‌عنوان یک برنامه یا حرکت سیاسی با عبور از رهبران و نهادهای اجتماعی و مخاطب‌قراردادن مستقیم توده‌های مردم، موتور حرکت خود را به‌راه می‌اندازد و سعی در بی‌اعتبارسازی هرآنچه در برابر آن قرار می‌گیرد دارد.
- این حرکت‌ها معمولا ضدبرنامه‌ریزی معمول و با مخالفت آشکار با یک یا گروهی از نخبگان و کاستن از اعتبار توافق‌ها و قراردادهای بین‌المللی که توسط مسئولان تأیید و امضا شده، شکل می‌گیرند.
- توجه اصولی به ظرفیت‌ها و منافع ملی حقیقی که ظرفیت برانگیزاننده قوی دارند، به‌عنوان یک راهبرد اساسی، ضد این‌گونه عوام‌فریبی‌ها بوده و درواقع مهارکننده است و باید مورد دقت قرار گیرد.
- مهم‌ترین ویژگی مکتب و روش عوام‌فریبانه، ماهیت ضدنخبگی، ساختارشکنی و بی‌اعتبارسازی نهادهای اجتماعی است. بهره‌مندان از روش عوام‌گرایی، یک یا گروهی از چهره‌های شناخته‌شده را به سوءاستفاده از قدرت، فساد و ویژه‌خواری، متهم می‌کنند و با یک تیر چند نشان می‌زنند. اولا ذهن همه را از فساد و رانت‌های هزاران‌میلیاردی خود پرت می‌کنند و ثانیا با درگیرشدن با چهره‌ها، موقعیت خود را در جامعه ارتقا می‌دهند. این یک مثل قدیمی است که برای آنکه خود را در جامعه بسیار بیش از آنچه هستی نشان دهی باید با بزرگ‌تر از خود درگیر شوی. در این ارتباط برد و باخت مهم نیست. همین‌که درگیری رخ دهد و «بزرگ‌تری» به دام شما بیفتد و تن به درگیری دهد، شما درواقع به هدف خود رسیده‌اید و این همان اتفاقی است که در انتخابات سال ۱۳۸۴ رخ داد.
- راهبرد ضدنخبگی در اجرای نمایش درون مجلس و بی‌حرمتی‌ها به وزیر باخرد امور خارجه به‌خوبی دیده شد. البته در آینده می‌توان انتظار داشت که کسان دیگری در این مدت مانده به انتخابات مورد هدف تندروها قرار گیرند. نباید وارد بازی آنان شد. این راهبردی جدی برای اصلاح‌طلبان است.
- یکی از روش‌های بسیار مهم و معمول یارگیری در حرکت‌های عوام‌فریبانه، فضاسازی علیه نهادهای مرجع است. واضح است که نهادهای مرجع به‌عنوان مراکز کنترل اجتماعی بر روندهای عمومی نظارت دارند. این‌گونه حرکت‌ها اساسا ضدکنترل بوده و نسبت به هر نظارتی در هر سطحی حساسیت منفی دارند، بنابراین به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه اقدام به تخریب، تحقیر و بی‌اعتباری نهادهای مرجع می‌کنند. آگاهی به این ترفندها خنثی‌کننده این ترفندها به نظر می‌رسد.
- دشمنان و مخالفان میانه‌روها در کنار تازه‌واردان جویای نام، مخاطبان اصلی گردانندگان این جریان هستند. ازهمین‌رو داستان درگیرشدن و بی‌محلی به نهادهای مرجع اعم از مراجع تقلید، مجلسیان، قاضیان، متخصصان، نخبگان دانشگاهی به‌ویژه، متخصصان علوم انسانی، اقتصاد، جامعه‌شناسی و سیاست، سیاست‌مداران، برنامه‌ریزان، حرفه‌ورزان، انجمن‌ها و نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حرفه‌ای و صنفی که وجود افراد واجد شرایط در میان آنان غیرقابل‌انکار است، در دستور کار آگاهانه این حرکت قرار دارند.
- آنان با بزرگ‌نمایی نقاط ضعف خدمت‌گزاران و مخاطب قراردادن مستقیم توده‌ها، امکان نقد ایده‌ها و شعارهای پرهزینه خود را از نخبگان و منتقدان جامعه سلب می‌کنند. به‌این‌ترتیب در جامعه یارگیری می‌کنند. آنان این پیام را به توده‌ها منتقل می‌کنند که عده‌ای گردن‌کلفت حق شما را خورده‌اند و ما در پی گرفتن این حق هستیم. به‌این‌ترتیب، با قطبی‌کردن جامعه و ایجاد شکاف اجتماعی، تمام ناکارآمدی‌های خود را پنهان می‌کنند و این رویکرد پایانی ندارد و هرروز به شکلی طرح می‌شود.
- عنوان‌هایی چون «هنوز مطالبی هست که به‌دلیل مصلحت اعلام نکرده‌ایم» یا اینکه «ما می‌خواستیم بگوییم اما باندهای قدرت نگذاشتند»، «هروقت ما می‌خواهیم پولی در جیب مردم بگذاریم عده‌ای با آن مخالفت می‌کنند» و مطالبی از این دست در این مسلک پایانی ندارند و می‌توان حدس زد که این حرکت در ساختارشکنی و حمله به چهره‌های باسابقه و عملکرد موفق دولت‌های پیش از دولت احمدی‌نژاد برای خود هیچ خط قرمزی قائل نیست.
- معمولا این حرکت‌ها عناصری از چپ و راست را با هم ترکیب و چنین وانمود می‌کنند که منافع هردو اردوگاه علیه مردم است. بنابراین ضمن سردادن شعار ضدتوسعه دولتی، با بنگاه‌های بزرگ و مولد ارزش افزوده ملی به‌ویژه نهادهای مالی، سرِ مخالفت می‌گذارند و با طرح شعار عدالت، چنین وانمود می‌کنند که این نهادها ابزارهای بهره‌کشی از ملت هستند و آنها درصدد بازتوزیع منابع آنها به طور عادلانه در بین ملت به‌ویژه کارگران و کشاورزانند.
- از هنرهای اصلی تندروهای پوپولیست، کوچک‌نمایی مشکلات و تبدیل مسائل بسیار پیچیده به مسائل بسیار پیش‌پاافتاده و ساده است که همگان راهکار آن را می‌دانند. درواقع به مردم چنین می‌نمایانند که کارکرد غالب متخصصان و نخبگان در جامعه، بیشتر «دکان‌داری برای زدنِ جیب مردم» است وگرنه داستان‌ها به آن پیچیدگی‌ای که آنان می‌گویند نیست و برای مجلس هم نیازی به تخصص و ایده و برنامه محوری و حضور چهره‌های باسابقه و توانمند ملی و سیاسی نیست!
- در این شیوه برخورد، می‌توان با برجسته‌سازی یک لایه بسیار سطحی از مسائل بسیار پیچیده کشور اعم از مسائل سیاسی، بین‌المللی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و تبدیل آن به سفید و سیاه، صفر و یک و یا با ما یا بر ما هم تمام مطالب را به‌طور ساده برای عموم مردم بیان کرد و هم هرکس به مخالفت با چنین شیوه‌های ضد منافع ملی برخاست او را با عنوان‌های زیاده‌خواه، خودباخته، ضعیف‌النفس و حتی وابسته، متهم و ناگزیر به سکوت کرد.
- پیام اصلی این روش آن است درحالی‌که جریان داخل و خارج از کشور ظالمانه است و عده‌ای از درون و بیرون با همدستی یکدیگر در حال چپاول حقوق مردم هستند، اصولگرایان دارند از حقوق مردم دفاع و آنان را در برابر زورگویان داخلی و خارجی حفاظت می‌کنند.

> **راهبرد ضدنخبگی در اجرای نمایش درون مجلس و بی‌حرمتی‌ها به وزیر باخرد امور خارجه به‌خوبی دیده شد. البته در آینده می‌توان انتظار داشت که کسان دیگری در این مدت مانده به انتخابات مورد هدف تندروها قرار گیرند. نباید وارد بازی آنان شد. این راهبردی جدی برای اصلاح‌طلبان است**

در چنین شرایطی، نامزدهای اصیل و دارای صلاحیت با مفهوم واقعی به‌دور از تظاهر یا شعار در برابر این‌گونه تبلیغات می‌توانند با ارائه تحلیلی درست، مردم را آگاه کنند. همچنان‌که اطلاعیه‌های نماینده شناخته‌شده مجلس یعنی دکتر علی مطهری در ارتباط با مسائل مختلف، چنین روشی را دنبال می‌کند که برآمده از آشنایی به وظایف نمایندگی مجلس است. او می‌داند که اکثریت جامعه چنین می‌اندیشند و افراد شجاع در همین مدت کوتاه مانده شاهد حمایت اکثریت هوشیار و مخصوصا جوانان خواهند بود.

اما نکته‌ای دیگر نباید از ذهن اصلاح‌طلبان و حامیان منافع مردم دور بماند. در آینده نزدیک مخصوصا در مناطق محروم و دور از شهرهای بزرگ و فاقد امکانات، آنان که خود را مادام‌العمر نماینده می‌خواهند به مقولات زیرکانه خواهند پرداخت. مثلا تعدادی از داوطلبان ورود به مجلس با این فرض که اصلی‌ترین معضل کشور اقتصاد است و آنان نیز جزء جامعه اقتصادخوانده‌های ایران هستند، بنابراین شایسته‌ترین فرد هستند، خود را نامزد می‌کنند و اظهاراتشان سرشار از تحلیل‌های اقتصادی است یا اینکه تعدادی دیگر از داوطلبان، مشکل جامعه را مدیریت و سیاست‌گذاری صحیح می‌دانند و بر این باورند که آنان نیز می‌توانند روشی جدید را اتخاذ کنند و به مسابقه در شعار توزیع کمک‌های نقدی و جنسی، وعده به کشاورزان در مورد اعطای یارانه سبز و به کارگران یارانه کار و مطرح‌شدن رایگان‌کردن هزینه‌های بهداشت و درمان و روش‌هایی از این دست می‌پردازند. بر آنان که توجه به منافع ملی را وظیفه ذاتی و سازمانی خود می‌دانند، شایسته است به این نکته توجه کنند که مقابله با توسعه عوام‌فریبی و سوءاستفاده از احساسات مردم، نیازمند احساس مسئولیت وطن‌خواهان دلسوز بالاخص جوانان اندیشمند و فرهیخته است. از همه مهم‌تر اینکه با امکانات حداقلی فعلی هم می‌توان تا روز انتخابات در همه نقاط کشورمان با استفاده از چهره‌های مورد وثوق مردم، جوانان تحصیلکرده و البته خود نامزدهای مستقل و اصلاح‌طلب، شرایط را به‌درستی تبیین کرد. امید فراوان می‌رود که دلسوزان واقعی ملک و ملت مخصوصا وسایل ارتباط جمعی که از بودجه عمومی تغذیه می‌کنند و مطبوعات پیشرو که از لحاظ کم‌وکیف قابل‌توجه هستند بدون هر پیرایه‌ای در این مقطع بسیار حساس و سرنوشت‌ساز از تقویت خطوط ممنوعه، رفتارهای رافع‌تکلیف، بی‌تفاوتی و شیوه‌های برهم‌زننده نظم عمومی و البته هرگونه یأس‌آفرینی و ناامیدسازی مردم پرهیز کنند. اگر همه این موارد و البته آنچه خود فعالان سیاسی اصلاح‌طلب و نامزدهای باتجربه مجلس می‌دانند به کار گرفته شود، مجلسی قابل‌قبول خواهیم داشت و منافع مردم تأمین می‌شود. مردم این روزها بیش از هر زمانی، اهمیت یک مجلس کارآمد را که واقعا صدای موکلان خود باشد می‌دانند. نباید گذاشت مردم مأیوس شوند و همبستگی ملی برای توسعه و کارآمدی، تندروها را شکست خواهد داد.

درنگ

آیین دادرسی کیفری جدید در آینه فرمان ۸ ماده‌ای

علی رضایی . دانش‌آموخته حقوق

در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۶۱ پیامی از جانب رهبر فقید انقلاب صادر شد که بعدها به فرمان هشت‌ماده‌ای امام، شهرت یافت. این پیام از منظر درون‌مایه و محتوا، به‌عنوان نخستین ندای حقوق‌بشری و اولین پیام حقوق شهروندی مؤسس نظام جمهوری اسلامی شناخته می‌شود. مخاطبان این فرمان که قوه قضائیه و ارکان‌های اجرائی کشور هستند، از جانب امام مؤکدا مکلف به قانون‌گرایی، حفظ اصول قانون اساسی، حفظ و توسعه حقوق شهروندی، اعمال سرعت و دقت در رسیدگی‌های قضائی و حفظ حرمت حریم خصوصی شده‌اند.

رهبری فقید انقلاب در اولین ماده از فرمان خود به‌درستی، نسبت به اعمال نهایت سرعت و دقت در تهیه و تصویب قوانین مربوط به موضوعات قضائی تأکید و مقرر کرده‌اند که ابلاغ و اجرای آن قوانین به‌منظور حراست از حقوق عامه مردم در رأس مسائل دیگر قرار گیرد.

بااین‌حال نگاهی گذرا به چند دهه قانون‌گذاری، در ارتباط با مقررات آیین دادرسی کیفری، ابهامات فراوانی را درخصوص پیگیری این دستور ایجاد می‌کند. سؤالی که پاسخ متصدیان امر در ادوار مختلف دو قوه مقننه و قضائیه را می‌طلبد این است که چرا دستور صریح امام در اولین بند از فرمان مورد بحث، مبنی بر اعمال سرعت و دقت در تنظیم مقررات قضائی درخصوص آیین دادرسی کیفری مورد توجه و عمل قرار نگرفت، که اگر گرفته بود شاید این‌همه آزمون و خطا در طول این ۳۰ سال به‌وجود نمی‌آمد. تأخیر در اجرای قانون ابلاغ شده، انجام اصلاحات بعد از انتشار متن قانون در روزنامه رسمی و قبل از اجرای آن و نیز معطل‌ماندن بسیاری از مقررات قانون فعلی به جهت منوط‌بودن اجرا به تصویب آیین‌نامه‌ها و نظام‌نامه‌هایی که جملگی رعایت مهلت قانونی را نمی‌کنند از آخرین نمونه‌هایی است که از برزمین‌ماندن این دستور امام خمینی مبنی‌بر رعایت سرعت و دقت در تصویب مقررات قضائی و در رأس مسائل قرارگرفتن ابلاغ و اجرای قوانین موصوف بعد از گذشت بیش از ۳۰ سال از زمان صدور فرمان حکایت می‌کند.

یکی دیگر از اصولی که در دستورات امام در فرمان هشت‌ماده‌ای ذکر و بر آن تأکید شده است، اصل استقلال قضائی است. این اصل که از قضا نقشی بی‌بدیل در کشف و اجرای صحیح عدالت بازی می‌کند عبارت از این است که دادرسان، در ابراز نظر قضائی فقط‌وفقط قانون و اقناع وجدانی خویشتن را ملاک قرار داده و هیچ عامل خارجی‌ای موجب تغییر نظر و عقیده آنها نشود. این اصل که در منابع فقهی و همچنین در اسناد بین‌المللی چون اعلامیه جهانی حقوق‌بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر آن تصریح شده، متأسفانه فقط در چند ماده از قانون جدید آیین دادرسی کیفری مورد توجه قرار گرفته است. یکی از موارد نقض استقلال قضائی در ماده ۴۷۰ قانون جدید آیین دادرسی کیفری نهفته است. این ماده که به بیان وظایف مرجع رسیدگی پس از نقض رأی فرجام خواسته در دیوان‌عالی کشور می‌پردازد، در بند (ب) و قسمت اخیر بند (پ) زمینه نقض استقلال قضائی را فراهم آورده است.

به‌این‌صورت که اگر رأی فرجام خواسته «قرار» بوده چنانچه توسط دیوان‌عالی کشور نقض گردد، مرجع رسیدگی باید با زیرپاگذاشتن نظر و عقیده قضائی خود، حتی اگر موجبات سابق درخصوص صدور قرار را پابرجا بداند از نظر دیوان متابعت نموده و در ماهیت رسیدگی و انشاء رای نماید. همچنین پس از صدور رأی اصراری و متعاقب طرح پرونده در هیأت عمومی شعب کیفری دیوان، چنانچه رأی اصراری نقض گردد، پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع و دادگاه مزبور براساس استدلال هیات عمومی دیوانعالی کشور، حکم صادر می‌کند. واضعان محترم این ماده باید پاسخگو باشند که آیا راهکار دیگری به‌جز نقض استقلال قضائی، در برخورد با این‌گونه موارد، یافت‌شدنی نبود؟ مواد ۲۸۸ و ۴۷۷ نیز به‌نوعی دیگر موجبات تخدیش این اصل را فراهم آورده‌اند که شرح و بسط تمامی آنها در این مقال نمی‌گنجد.

موضوع دیگر که شاید بتوان گفت، رکن اصلی و شاکله فرمان هشت‌ماده‌ای بر محور آن استوار است، رعایت و حفظ حریم خصوصی و حرمت تجسس است. دستوراتی چون ممنوعیت ورود به خانه یا مغازه یا محل کار اشخاص بدون اذن صاحب آنها، ممنوعیت جلب، تعقیب، مراقبت، اهانت و... نسبت به دیگری به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه، حرمت گوش‌کردن به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه، ممنوعیت گذاشتن شنود و تجسس از گناهان و دنبال اسرار دیگران‌بودن به‌منظور کشف گناه و جرم از اهم موارد مورد تأکید امام در این فرمان است. این اصل بسیار مهم نیز، در برخی از مواد قانون مذکور مورد کم‌توجهی قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه ماده ۵۷ قانون مورد بحث است. براساس این مقرره، چنانچه ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل، ادله، اسباب و آثار جرم دیگری را که تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است (با توجه به امکان برداشت بسیار موسع و قابل‌تعمیم از این‌گونه تعاریف)، مشاهده کنند، ضمن حفظ ادله و تنظیم صورت‌مجلس، بلافاصله مراتب را به مرجع قضائی صالح گزارش می‌کنند. این در حالی است که براساس دستور صریح امام، «اگر مسئولان امر برای کشف جرم به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آنجا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدر برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چراکه اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ‌کس حق ندارد هتک‌حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب‌وشتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد».

اینکه چه مصالحی موجب عدم حرمت‌نهادن به حریم خصوصی و اباحه تجسس در برخی از مقررات قانون جدیدالتصویب آیین دادرسی کیفری شده، مکشوف نیست. بررسی دقیق‌تر قانون جدید از این زاویه ما را با مواد ناقض اصل مورد بحث مانند ماده ۱۵۲ بیشتر آشنا می‌کند اما به جهت جلوگیری از اطاله کلام به همین چند مورد اکتفا می‌شود.

مطالعه دقیق قانون مورد بحث، احتمالا موارد دیگری از تفاوت‌های مقررات جدید قانون آیین دادرسی کیفری از اصول حاکم بر فرمان هشت‌ماده‌ای را روشن خواهد کرد.